



مدیریت مبتنی بر همکاری واقعی یا غیرواقعی در مراکز آموزشی: مطالعه کیفی

بیژن عبدالهی^۱، بیتا عبدالحسینی^۲، رضا عبدالحسینی^۳

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی

۲- مدرس دانشگاه فرهنگیان

۳- کارشناس مرکز آموزشهای آزاد تخصصی دانشکده فنی دانشگاه تهران

چکیده

برای بسیاری از سازمان‌های دولتی از جمله مدرسه، همکاری به مهم‌ترین ابزار مقابله با مشکلات مدرن، مانند پیچیدگی در فرایند سیاست، محیط آشفته، پراکندگی منابع و تخصص و جریان ثابت از اطلاعات جدید تبدیل شده است. اگرچه امروزه مدیران با مشکلاتی مواجه می‌شوند که حل آن از عهده یک نفر خارج است؛ اما درعین حال به دلایلی که در این پژوهش قصد بررسی آن را داشتیم، سعی می‌کنند نوعی از همکاری غیرواقعی را مطابق با نظرات خود طراحی نمایند. این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی هرمنوتیک به انجام رسید. ابزار پژوهش مصاحبه بوده و افراد مورد مصاحبه مدیران و دبیران مدارس بودند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. مصاحبه به روش نیمه ساختاریافته صورت گرفت و پس از مصاحبه با ۱۵ نفر به اشباع نظری رسید. در تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای استقرایی با استفاده از کدگذاری باز و محوری استفاده شد. برای اطمینان از این‌همانی داده‌ها، یافته‌های طبقه‌بندی شده به تأیید شرکت کنندگان رسید. از نظر مصاحبه‌شوندگان دلایلی چون ویژگی‌های شخصیتی، انگیزه، پذیرش تغییر، کاهش اعتبار، قوانین، ساختار، اطلاعات، فرهنگ همکاری و وضعیت مالی باعث می‌گردد که مدیران به جای استفاده از مدیریت مبتنی بر همکاری، همکاری طراحی شده را جایگزین نمایند. این دلایل تحت عنوان ۵ بعد عوامل ساختاری و قانونی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ویژگی‌های شخصیتی و دانش فنی و تخصصی دسته‌بندی شدند.

واژگان کلیدی: مدیریت مبتنی بر همکاری، همکاری غیرواقعی، همکاری طراحی شده، همکاری ساختگی